

استعاره مفهومی «عقل» در روایات

زهرا کریمی نوقی پور^۱، ثریا قطبی^۲، فریده داودی مقدم^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۹/۱۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۰/۲۳)

چکیده

استعاره مفهومی، از موضوعات کلیدی علم زبان‌شناسی شناختی است که اساس آن، فهم یک حوزه مفهومی بر حسب حوزه مفهومی دیگر است. معناشناسی شناختی از جمله دانش‌هایی است که راه را برای کشف و تحلیل روابط درون‌متنی روایات هموار می‌کند. معصومان(ع) برای بیان مفهوم «عقل»، مخاطبان خود را از رهگذر امور مادی و محسوسات به تأمل در امور نامحسوس فرا می‌خوانند. این فرایند موجب القای تعالیم دینی از طریق ارائه شباهت هستی شناختی و معرفت شناختی میان دو حوزه مبدأ و مقصد می‌شود. هدف پژوهش حاضر، تحلیل استعاره‌های مفهومی «عقل» در روایات است. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مهمترین حوزه‌های مفهومی «عقل» در روایات شامل نور و روشنایی، سرمایه و ثروت، بی‌نیازی، بخشش، نعمت، زیبایی و آراستگی، هدایت‌گری، قدرت و فرماندهی، آبادانی، درمانگری، دوستی و گشایش است که با ترکیب طرح‌واره‌های تصویری حاصل از دو حوزه مبدأ و مقصد، نظام شناختی هدفمند و روشنگرانه را در بافتی استعاری و قابل درک ارائه داده و سبب باورپذیری و تمرکز و انتقال هرچه بهتر آموزه‌ها شده است.

کلید واژه‌ها: استعاره مفهومی، عقل، روایات، نگاشت، زبان‌شناسی شناختی

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛

z.karimi13701373@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

sghotbi@shahed.ac.ir

۳. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛ fdavoudy@gmail.com

۱- بیان مسأله

زبان‌شناسی شناختی یکی از رویکردهای مطالعاتی معاصر زبان است که به ابعاد شناختی ارتباط زبان می‌پردازد. این نوع از مطالعات بر اساس تجربه‌های انسان از جهان و الگوهای مفهوم‌سازی بنا شده است و در آن تلاش می‌شود تا ماهیت و ساختار ذهن انسان مورد واکاوی قرار گیرد (قائم‌نیا، ۱۹). زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که با توجه به فرایندی و پردازشی بودن ذهن، می‌توان از الگوهای نهفته آن پرده برداشت و ساختار اعمال ذهن را شناسایی کرد.

یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی، «معناشناسی شناختی»^۱ است که در آن از ارتباط عبارت‌های زبانی و ساختارهای ذهنی سخن به میان می‌آید. از آنجا که تجربیات زندگی به عنوان مؤلفه‌های معنایی در ذهن انسان اندوخته و طبقه‌بندی می‌شود (فتاحی‌زاده و داودی، ۲۲۰)، معناشناسی شناختی، هسته مرکزی زبان‌شناسی شناختی دانسته شده است. استعاره‌های مفهومی یکی از اساسی‌ترین محورها در زبان‌شناسی شناختی است که در آن فهم یک ایده یا یک حوزه مفهومی بر اساس ایده یا حوزه مفهومی دیگر فراهم می‌شود و موضوعات انتزاعی و فاقد ساختار با موضوعاتی ساختمند و عینی فهم‌پذیر می‌گردد (لیکاف، ۲۰۱). «جورج لیکاف»^۲ و «مارک جانسون»^۳ برای اولین بار از این اصطلاح استفاده کردند که از آن به «دیدگاه زبانشناختی درباره استعاره» یاد می‌شود. در این دیدگاه «استعاره» برخلاف دیدگاه سنتی آن که از خصوصیت‌های کلمات قلمداد می‌شد و هدف از آوردن آن افزایش فصاحت کلام بوده و از صنایع ادبی برای زینت بخشیدن به سخن به شمار می‌آمد، یکی از مشخصه‌های مفاهیم به حساب آمده و موجب درک عمیق‌تر آن شده و امری کاملاً ضروری در فرایند تفکر محسوب می‌شود. (فتاحی‌زاده و داودی، ۲۲۱)

وجود مفاهیم انتزاعی در آموزه‌های دینی موجب شده تا استعاره مفهومی در متون

1. Cognitive Semantics

2. George Lakoff

3. Mark Johnson

روایی کاربرد فراوانی داشته باشد و معصومان(ع) با استفاده از کاربست استعاره مفهومی در القاء مفاهیم انتزاعی تعلیم خود را به مخاطبان انتقال دهند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در روایات معصومان(ع) با استفاده از استعاره مفهومی مورد توجه قرار گرفته، مفهوم «عقل» است که از ابزارهای برجسته ادراک گزاره‌های وحیانی از سوی انسان به شمار می‌آید.

مرور پژوهش‌های مرتبط با موضوع نشان می‌دهد هر چند پژوهش‌های ارزشمندی در این باره انجام شده اما این پژوهش‌ها عمدتاً متمرکز بر مفهوم‌شناسی عقل و حوزه معنایی آن بوده و در هیچ یک از پژوهش‌ها استعاره مفهومی «عقل» در روایات مورد توجه قرار نگرفته است.^۱ از آنجا که احادیث اصالتاً ماهیت زبانی دارند و از قوانین حاکم بر زبان پیروی می‌کنند و کاربست استعاره مفهومی در القاء مفاهیم انتزاعی در متون روایی موجب درک عمیق‌تر موضوعات انتزاعی می‌شود، پژوهش حاضر بر آن است تا حوزه انتزاعی «عقل» را در روایات در چارچوب نظریه استعاره مفهومی «لیکاف» و «جانسون» مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ دهد که استعاره مفهومی «عقل» در روایات به چه صورتی است؟

۲- استعاره مفهومی

استعاره‌ی مفهومی از سازوکارهای بنیادین نظام شناختی است. استعاره در نیمه دوم قرن بیستم به عنوان فرایندی فعال در نظام‌شناختی انسان در مطالعه ذهن و زبان مطرح شد. از منظر دانشمندان علوم شناختی نظام مفهومی انسان که به وسیله آن تفکر و عمل می‌کند، ماهیت استعاری دارد. «جورج لیکاف» و «مارک جانسون» برای اولین بار تحلیل شناختی از

۱. از جمله نک: قاسمی حامد (۱۳۹۶) در رساله دکتری با عنوان «عقل و هوی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، مفهوم‌شناسی، کارکرد و آثار»؛ مصباح (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «مفهوم عقل در قرآن و حدیث»؛ قربانی‌زرین (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «واکاوی معناشناختی عقل در زبان عربی و قرآن کریم با تکیه بر آراء شیخ طوسی در التبیان»؛ یاوریان (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی حوزه معنایی عقل در نهج‌البلاغه»؛ جهان‌مبین (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «منزلت عقل در روایات»؛ فلسفی جو (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل رابطه عقل و عاطفه در نهج‌البلاغه و استلزامات تربیتی آن»، «عقل» را از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار دادند.

استعاره ارائه دادند. از منظر این دو دانشمند مفاهیم حاکم بر اندیشه بشر، منحصر به موضوعات فکری نیست بلکه افعال روزانه و جزئیات زندگی او را نیز در برمی گیرد.

«لیکاف» بر این باور است که بیشتر مفاهیم کلی انتزاعی، از راه استعاره و براساس مکان، حرکت و نیرو مفهوم سازی می شوند. این مفاهیم در هسته مرکزی نظام های مفهومی قرار دارند و مفهوم سازی آن ها به شکل استعاری نشان دهنده استعاری بودن نظام مفهومی است (لیکاف، ۲۳۰). از منظر «لیکاف» و «جانسون» کاربست تعبیرهای استعاری نظام مند است و زبان استعاری، تنها نمایشی آشکار از استعاره مفهومی به حساب می آید.

(فتاحی زاده و داودی، ۲۲۱)

در دیدگاه معاصر، استعاره مفهومی دارای دو سازه اساسی است. یکی حوزه «مقصد» و دیگری حوزه «مبدأ». حوزه «مقصد» به مفاهیم انتزاعی و ذهنی گفته می شود که درک آن ها به تنهایی دشوار است و از رهگذر فرایند استعاره درک پذیر می شوند. حوزه «مبدأ» حوزه مفهومی است که برای درک حوزه انتزاعی بکار گرفته می شود و معمولاً از تجارب روزمره انسان ها و امور شناخته شده و محسوس تشکیل شده است. نگاشت مهمترین رکن استعاره مفهومی و به معنای تناظرهای نظام مند استعاری بین حوزه های مفهومی مبدأ و مقصد است.

خصوصیات استعاره از منظر شناختی شامل الگوشدگی، سامان یافتگی و یک سویه بودن است. الگوشدگی ناظر به آن است که شکل گیری یک استعاره، مدلی برای شکل گیری بقیه استعاره ها است. منظور از سامان یافتگی آن است که هنگامی که استعاره ای برای یک مفهوم شکل گرفت، مبنایی برای شکل گیری استعاره های تازه دیگر با نگاشت جزء های مفهوم مبدا و جزء های مفهوم مقصد است و یک سوییگی آن است که وقتی استعاره ای در قالب حوزه مبدا و مقصد شکل گرفت، عکس آن ممکن نیست. (مکوند و زیارتی، ۸۲)

از نظر «لیکاف» و «جانسون» استعاره های مفهومی شامل استعاره های «جهتی»^۱، استعاره های «هستی شناختی»^۲ و استعاره های «ساختاری»^۳ است. در استعاره «جهتی» مفاهیم

1. Orientaional
2. Ontological
3. Structural

ذهنی، جهت مکانی می‌پذیرد. در این نوع از استعاره هرچند جهت‌های مکانی مانند بالا و پایین، جلو و عقب، روی و زیر و غیره وجود دارد، اما در فرهنگ‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد (لیکاف و جانسون، ۱۹). در استعاره «هستی‌شناختی» به شیئی که هویت انسانی ندارد، شخصیت داده می‌شود. در این نوع از استعاره وقایع، اندیشه‌ها و احساس‌ها به عنوان حقیقت شیء یا شخص و مشتمل بر صفات جوهری آن در نظر گرفته می‌شوند (قائمی‌نیا، ۷۰) و درک انسان از پدیده‌های انتزاعی با تجربه بشر از اجسام و اشیا فیزیکی خواهد بود (لیکاف و جانسون، ۲۵). در استعاره «ساختاری» یک مفهوم براساس مفهوم دیگر فهمیده می‌شود و از یک مفهوم نظام‌مند برای ساختاردهی به مفهوم دیگر بهره گرفته می‌شود. (همانجا، ۶۲)

۳- استعاره مفهومی «عقل» در روایات معصومان(ع)

چیستی «عقل» یکی از موضوعات قابل اهمیتی است که در حوزه‌های اندیشه بشری مورد بررسی قرار گرفته است. در آموزه‌های قرآنی مفهوم «عقل» ناظر به فهم تام و درک صحیح بدون اکتفا به ظاهر و دخالت گرایش‌های نفسانی است. بسیاری از پژوهشگران از دیر باز تلاش کرده‌اند تا مفهوم «عقل» را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند. واژه «عقل» در لغت ضد «جهل» (فراهیدی، ۱۵۹/۱) و ضد حمق است. «عقال» به طنابی گفته می‌شود که بر پای شتر بسته می‌شود تا مانع حرکت آن شود (ابن‌منظور، ۴۵۹/۱۱). برخی واژگان مانند علم، امساک، تدبیر، تشخیص، ادراک، خوب فهمیدن، قوه مدرکه، سرپیچی از هوای نفس (مصطفوی، ۱۹۶/۸) حفظ کردن و نگه داشتن با این واژه ارتباط تنگاتنگ دارد. (موسوی و عمویی، ۳۰۰)

در متون دینی گاه از «عقل» با تعبیری مانند «نهییه»، «حِجَر»، «قلب» و «لُب» یاد می‌شود. عقل به سبب نقش بازدارندگی انسان از گناه «نهییه» و به جهت نگهداری نفس در حصار مستحکم و نفوذناپذیر «حجر» و به خاطر تشخیص خالصی‌ها از ناخالصی «لب» در مقاله

خود با عنوان «واکاوی معناشناختی عقل در زبان عربی و قرآن کریم با تکیه بر آراء شیخ طوسی در التبیان» و به جهت اینکه مرکز باطنی ادراک و فهم و شعور انسان است «قلب» نامیده شده است (مصباح، ۶۰-۵۶). «عقل» از نیروهای درونی انسان و تفکیک کننده خیر از شر و حق از باطل و مهارکننده هواهای نفسانی و وادارکننده انسان به نیکی و صلاح است. در پژوهش حاضر برای دستیابی به مفاهیم استعاری حوزه «عقل» در روایات معصومان(ع) از کتاب «العقل و الجهل فی الکتاب و السنه» از آقای ری شهری استفاده شده است. آنچه در ادامه خواهد آمد نداشت‌های حاصل از بررسی روایات ناظر بر حوزه «عقل» است.

۳-۱. عقل به مثابه گنج

جسم شدگی یکی از اصول معنی‌شناسی شناختی است. شناخت از طبیعت اجسام تاثیر می‌گیرد و جسم شدگی به وسیله زبان بیان می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ، وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (سیدرضی، ۴۳؛ ری شهری، ۱/۱۰۲) یعنی خداوند، رسولان را در میان مردم برانگیخت و پیامبران را در پی فرستاد تا پیمان فطرت را به آنان ابلاغ کنند و نعمت‌های فراموش شده الهی را بر آنان گوشزد کنند و با تبلیغ و رساندن پیام بر آنان، احتجاج نمایند و گنجینه‌های خرد را بر ایشان برملا سازند. امام علی(ع) برای انتقال مفهوم «عقل» از استعاره مفهومی کمک گرفته تا مفهوم انتزاعی و غیرمحسوس «عقل» به واسطه مفاهیم ملموس‌تر قابل درک شود. در عبارت «و يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» میان دو حوزه مبدأ (گنج) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. در روایت مزبور «عقل» به مثابه گنجینه‌ای مفهوم‌سازی شده که ارزشمند و گرانبها است. در این طرح‌واره با تصویر آنچه از کاربرد «گنج» در زندگی انسان ترسیم می‌شود، به ارزش و کارایی «عقل» پرداخته شده است. نگاشت میان دو حوزه، ارزشمندی و گرانبها بودن است همانطور که برای رسیدن به گنج که بیشتر در قعر غارها یا در زیر زمین پنهان است باید تلاش کرد، «عقل» نیز عطیه‌ای الهی و پنهان در درون انسان است که برای برخورداری و استفاده از آن تلاش مضاعفی لازم است.

۳-۲. عقل به مثابه نردبان

در کلام امام علی (ع) «العقلُ رَقِيٌّ إِلَى عَلِيٍّ» (همو، ۷۴/۱) از استعاره مفهومی عقل، نردبان علین در بافتی تمثیلی و مؤثر استفاده شده است. در این استعاره میان حوزه مبدأ (نردبان) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت برجسته این حوزه، تعالی و پیشرفت است. انسان برای رسیدن به اهداف والای خود نیاز به ابزار بالا برنده‌ای به نام «عقل» دارد تا با کمک آن پله‌های تعالی را یک به یک سپری کرده و با حرکتی رو به بالا به سوی مقصد غایی خویش رهسپار شود. نردبان، همانطور که رابط میان آسمان و زمین است و صعود تدریجی و گام به گام را نشان می‌دهد، نمایان کننده تفاوت میان دو سطح پایین و بالا است. کاربرست این استعاره به مخاطب القاء می‌کند که برای رسیدن به تعالی باید حرکت صعودی داشت و با کمک «عقل» اوج گرفت. از آنجا که نردبان دارای پله است کاربرست استعاری «عقل» در حرکت به سوی اوج، دارای فرایندی پلکانی شامل آغاز، پیشروی و کمال است. در شروع باید با کمک «عقل» از شرایط زمینی مانند هواهای نفسانی عبور کرد و در میان راه بدون توقف در مسیری پیوسته و رو به بالا و با گام‌های مطمئن تلاش کرد تا به آخرین پله کمال و قرب الهی نائل شد.

۳-۳. عقل به مثابه روشنایی و چراغ

از آنجا که استعاره در بستر فرهنگ و اندیشگانی دوره‌ها به وجود می‌آید، استعاره‌های موجود در روایات از جمله استعاره نور نیز با نگاهی وسیع به دوران‌های بشری شکل گرفته است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «العقلُ نورٌ خَلَقَهُ اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ، وَجَعَلَهُ يُضِيءُ عَلَى الْقَلْبِ لِيَعْرِفَ بِهِ الْفَرْقَ بَيْنَ الْمُشَاهَدَاتِ مِنَ الْمُغَيَّبَاتِ» (همو، ۳۰/۱) و نیز در روایتی دیگر «عقل» را نوری معرفی می‌کند که خداوند آن را برای انسان آفرید و وسیله روشنی بخشی دل قرارداد تا با آن تفاوت دیدنی‌ها را از نادیدنی‌ها باز شناخته شود^۱ (همانجا). همچنین

۱. «العقلُ نورٌ في القلبِ، يُفَرِّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ».

معصوم (ع) با استفاده از استعاره مفهومی ملموس‌تر روشنایی برای القاء مفهوم انتزاعی «عقل» فرموده است: «الْعَقْلُ نُورٌ خَلَقَهُ اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ» و «الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ». نور نماد روشنگری، معرفت افزایی، وضوح و زیبایی است. نور از اجزای عینی چراغ است که روشنایی آن سبب می‌شود تا انسان مسیر درست را بهتر بباید و در تاریکی‌ها گرفتار نشود. معصوم (ع) «عقل» را به مثابه نوری می‌داند که با روشنایی آن می‌توان راه حق و راه باطل را تمیز داد و از ظلمات جهل به نور هدایت رهنمون شد. نور زداینده تاریکی‌ها و موجب معرفت‌افزایی است. از کاربست نور در ساحت معنوی با عنوان «بصیرت» یاد می‌شود. باید توجه داشت که این تصویر از قلمرو مقصد استعاره عقل، از جمله کهن الگوهای بشری است که معصوم (ع) به دلیل آشنایی ناخودآگاهی ذهن بشر از این ابزار شناختی برای بیان مقصود خویش بهره جسته است.

روشن است که زبان یکی از شیوه‌های بازنمایی جهان در ذهن و ابزاری برای ساماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات است و مانند حوزه‌های شناختی دیگر متأثر از فرآیند مفهوم‌سازی است. در این راستا معصومان (ع) برای مفهوم‌سازی «عقل» از مفهوم عینی «چراغ» استفاده کردند. رسول خدا (ص) «عقل» را در دل، به مثابه چراغ در میان خانه معرفی کرده و می‌فرماید: «مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ» (همانجا). در این روایت میان دو حوزه مبدأ (چراغ) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. «سراج» به وسیله‌ای گفته می‌شود که نورانی و روشن کننده است؛ از این رو به خورشید نیز مجازاً «سراج» اطلاق می‌شود (طریحی، ۳۰۹/۲). همان‌گونه که چراغ، روشنگر خانه است و اهل خانه با وجود آن احساس امنیت و آسایش می‌کنند، «عقل» نیز جان و دل آدمی را روشنایی می‌بخشد و باعث ایمنی آدمی می‌شود. چراغ حامی نور است و نور جلوه چراغ. «عقل» چراغی است که روشنایی خانه دل از آن است. چراغ «عقل» چنان قلب آدمی را روشن می‌کند و با گوشت و خونس در هم می‌آمیزد که انسان با وجود آن به تاریکی و گمراهی جهل کشیده نمی‌شود. به همین جهت امام کاظم (ع) «عقل» را روشنایی جان معرفی

می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ ضَوْءَ الرُّوحِ الْعَقْلُ» (ری شهری، ۳۱/۱). همان‌طور که نور، خود روشن است و غیر خود را هم روشن می‌کند، «عقل» روشنی‌بخش روح و جان آدمی است. درخشندگی، روشنایی، آگاهی، شفافیت و زلال بودن از نگاشت‌های آشنای این استعاره است.

۳-۴. عقل به مثابه شمشیر

در روایات معصومین (ع)، مفهوم‌سازی «عقل» با استفاده از مفاهیم مربوط به ابزار جنگاوری مانند شمشیر صورت گرفته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَائِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتَرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ» (همو، ۲۴۲/۱). یعنی بردباری، پرده‌ای پوشان است و خرد شمشیری برنده، پس کاستی‌های اخلاق خویش را با بردباری بپوشان و با خرد خود با هوای نفست بجنگ. «حُسَامٌ» به معنای شمشیر برنده است (طریحی، ۴۱/۶). در این استعاره میان حوزه مبدأ (شمشیر) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت حاصل از این استعاره تیزی و برندگی، قدرت و کارساز بودن است. شمشیر از ابزار جنگاوری است و خوب را از بد جدا می‌کند. این استعاره نشان می‌دهد که در جهاد بزرگ مبارزه با نفس و برای رهایی از هوس‌ها باید از شمشیر «عقل» کمک گرفت. همان‌گونه که شمشیر میان حق و باطل تمایز ایجاد می‌کند، «عقل» نیز با قدرت تشخیص خود مواضع درست از نادرست را جدا کرده و آدمی را در مسیر حق پیش می‌برد. «عقل» قدرتی برای کسب معرفت و بصیرت و ابزاری برای به دو نیم کردن ظلمت جهل است و با خردورزی می‌توان موانع پیش‌رو را از میان برد.

۳-۵. عقل به مثابه کلید

امام صادق (ع) «عقل» را با استفاده از مفهوم کلید مفهوم‌سازی نموده و می‌فرماید: «وَهُوَ [العقل] مِفْتَاحُ أَمْرِهِ» (همو، ۱۳۲/۱) یعنی «عقل» کلید کارهای او [انسان] است. ابن اثیر در باره «مفتاح» می‌گوید: «مِفْتَاحٌ وَ مِفْتَحٌ، وَ هُمَا فِي الْأَصْلِ: كُلٌّ مَا يَتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى اسْتِخْرَاجِ

المغلقات التي يتعذر الوصول إليها»^۱ (ابن اثیر، ۴۰۷/۳). در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ (کلید) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت میان دو حوزه، گشایش است. «کلید» ابزاری است که به وسیله آن درهای بسته گشوده می‌شود. با «عقل» می‌توان گره‌های بسته زندگی دنیوی و اخروی را باز کرد. همانطور که «کلید» ابزاری برای وارد شدن و ابزاری برای رسیدن به مقصد است با کمک «عقل» می‌توان به پناهگاه امن خداوند راه یافت و به قرب الهی نائل شد.

۳-۶. عقل به مثابه ثروت

رسول خدا (ص) برای بیان ارزش «عقل» از استعاره مفهومی استفاده کرده و می‌فرماید: «لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا مَالٌ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ» (ری شهری، ۶۴/۱) یعنی هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست و هیچ سرمایه‌ای پرسودتر از خرد نیست. ابن اثیر «مال» را در اصل به معنای صاحب طلا و نقره بودن می‌داند: «الْمَالُ فِي الْأَصْلِ: مَا يَمْلِكُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، ثُمَّ أُطْلِقَ عَلَى كُلِّ مَا يَقْتَنِي وَيَمْلِكُ مِنَ الْأَعْيَانِ»^۲ (ابن اثیر، ۳۷۳/۴). در این استعاره میان حوزه مبدأ (مال) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت حاصل از این استعاره ارزشمندی است. «عقل» سرمایه‌ای با ارزش است که بهره‌گیری از آن سود سرشاری برای انسان دارد.

علاوه بر آن امام علی (ع) هیچ سرمایه‌ای را سودمندتر از «عقل» نمی‌داند: «لَا عُذَّةَ أَنْفَعُ مِنَ الْعَقْلِ» (ری شهری، ۶۴/۱). منظور از «عُدَّة» مال و سلاحی است که انسان برای حوادث روزگار فراهم می‌آورد. (طریحی، ۱۰۰/۳). همچنین در کلام علوی «عقل» سرمایه پنهان معرفی شده است: «الْعُقُولُ ذَخَائِرٌ، وَالْأَعْمَالُ كُنُوزٌ» (همو، ۶۸/۱). ابن درید «ذخر» را به معنای مال یا چیزی می‌داند که اندوخته شده باشد (ابن درید، ۵۸۱/۱). انسان دوستدار

۱. «مِفْتَاحٌ» و «مِفْتَاحٌ»، در اصل هر چیزی است که برای بیرون آوردن بسته‌هایی با قابلیت دستیابی دشوار از آن استفاده می‌شود.

۲. «مال» در اصل به دارایی از طلا و نقره گفته می‌شود؛ سپس به هر چیز عینی اطلاق می‌شود که نگهداری شود و مملوک واقع گردد.

ثروت است و می‌خواهد به وسیله آن به بی‌نیازی دست یابد. با «عقل» که سرمایه‌ای با ارزش است می‌توان به بی‌نیازی رسید. همانطور که انسان با ثروت از دیگران بی‌نیاز می‌شود به کمک «عقل» از پرستش غیر خدا بی‌نیاز می‌شود و به رستگاری می‌رسد.

در روایتی دیگر، امام علی (ع) «عقل» را به مثابه «منفعت» معرفی کرده است: «الْعَقْلُ مَنْفَعَةٌ، وَالْعِلْمُ مَرْفَعَةٌ، وَالصَّبْرُ مَدْفَعَةٌ»^۱ (ری شهری، ۱۶۶/۱). ابن منظور «نفع» را ضد «ضرر» و به معنای «سود» می‌داند (ابن منظور، ۳۵۲/۸) در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ (سود) و حوزه مقصد (عقل) است. علاوه بر آن امام علی (ع) برای بیان مفهوم انتزاعی «عقل» از مفهوم آشنا تر «بی‌نیازی» استفاده کرده است: «لَا غِنَى أَكْبَرَ مِنَ الْعَقْلِ» (ری شهری، ۶۴/۱). یعنی هیچ بی‌نیازی بزرگ‌تر از خرد نیست و نیز فرموده است: «إِنَّ أَغْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ» (سیدرضی، ۴۷۵). امام صادق (ع) نیز با استفاده از همین استعاره هیچ بی‌نیازی را پربارتر از خرد و هیچ تنگدستی را پست‌تر از نادانی نمی‌داند.^۲ (همو، ۶۶/۱)

۳-۷. عقل به مثابه زینت

از آنجا که «عقل» ماهیتی انتزاعی دارد و از دسترس تجربه حسی دور است؛ استعاره «عقل» به مثابه «زینت» دارای کارکرد توضیحی و شناختی است. کاربست این استعاره، باعث فهم‌پذیر شدن مفهوم «عقل» با ساختاربندی در قالب حوزه «زیور» و با دریافت حسی نزدیک‌تر است. امام علی (ع) می‌فرماید: «حَسَبُ الْمَرْءِ عِلْمُهُ، وَجَمَالُهُ عَقْلُهُ» (همو، ۶۲) یعنی تبار آدمی دانش اوست و زیبایی او به خرد اوست. جوهری «جمال» را به معنای حُسْن می‌داند (جوهری، ۱۶۶۱/۴). در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبداء (زیبایی) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. انسان به زیبایی علاقه‌مند است. خداوند زیبایی‌ها، «عقل» را به انسان هدیه داده است تا روح و روان او نیکو باشد.

۱. عقل، سود رساند، دانش، بالا برد و شکیبایی، دفاع کننده است.

۲. «لَا غِنَى أَخَصَبُ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا فَقْرٌ أَحَطُّ مِنَ الْحُمَقِ».

در روایتی دیگر امام علی(ع) «عقل» را زیباترین آرایه معرفی می‌کند: «الْعَقْلُ أَحْسَنُ حَلِيلَةٍ» (ری شهری، ۶۲/۱). مطرزی در باره معنای «حلیه» می‌گوید: «الحلیة: الزينة من ذهب أو فضة» (مطرزی، ۲۲۲/۱).

از استعاره مفهومی «عقل» به مثابه «زینت» می‌توان به سخن امام علی(ع) «زينة الرجل عقله»^۱ (همو، ۶۲/۱) و «العقل أجملُ زينةٍ، والعلمُ أشرفُ مزيةٍ»^۲ (همو، ۶۲/۱) و «العقلُ زينٌ، الحمقُ شينٌ»^۳ (همو، ۶۲/۱) اشاره کرد. طریحی در باره معنای «الزینة» می‌نویسد: «ما يُتَزَيَّنُ به الإنسان من حلی و لبس و أشباه ذلك» (طریحی، ۲۶۲/۶).

در سخن امام علی(ع): «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ «عقل» يَزِينُهُ لَمْ يَنْبُلْ» (همو، ۶۲/۱) استعاره مفهومی عقل به مثابه زینت به شکل آشکار وجود دارد. ایشان می‌فرماید هر که از خردی که او را بیاراید، بی‌بهره باشد، رشد نخواهد یافت. افزون بر آن در کلام علوی: «زَيْنُ الدِّينِ الْعَقْلُ» (ری شهری، ۶۴/۱) آرایش دین‌داری، به خرد دانسته شده است. واضح است که «عقل» زیننده جان آدمی است و زیبایی و آراستگی دین را دوجندان می‌کند. انسان دین‌دار، انسانی خردورز است.

در سخن امام عسکری(ع): «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ» (همو، ۶۴/۱) جلوه‌های بیرونی انسان با زیبایی‌های درونی مفهوم‌سازی شده و زیبایی صورت، زیبایی ظاهری و زیبایی خرد، زیبایی باطنی معرفی شده است. همان‌گونه که زیبایی‌های ظاهری خوشایند است، زیبایی‌های باطنی نیز پسندیده است که مظهر آن «عقل» می‌باشد.

۳-۸. عقل به مثابه هدیه

یکی از مفاهیمی که از سوی معصومان(ع) در استعاره «عقل» گنجانده شده، مفهوم «هدیه» است. رسول خدا(ص) «عقل» را ارمغانی از سوی خداوند مفهوم‌سازی کرده و

۱. آرایه آدمی خرد اوست.

۲. خرد، زیباترین آرایه و دانش گرامی‌ترین رتبه است.

۳. خرد، زیبایی است و نادانی زشتی.

می‌فرماید: «الْعَقْلُ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ» (همو، ۵۰/۱). در این استعاره مفهومی، حوزه مبدأ (هدیه) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت میان دو حوزه، بخشش است. هدیه بخشیدنی است، نه اکتسابی و موجب شادی و انبساط خاطر می‌شود و بیانگر توجه هدیه‌دهنده به دریافت‌کننده آن است که در این حدیث هدیه‌دهنده خداست.

در روایتی از امام علی (ع) آمده است که بهترین بخشش‌ها «عقل» است: «خَيْرُ الْمَوَاهِبِ الْعَقْلُ» (همو، ۵۴/۱) و نیز می‌فرماید: «أَفْضَلُ مَا مَنَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ عِلْمٌ وَعَقْلٌ، وَمُلْكٌ وَعَدْلٌ» (همو، ۶۶/۱) یعنی برترین بخشش خداوند سبحان بر بندگانش، دانش و خرد است و حکمرانی و عدالت‌پیشگی. ازهری منت را به معنای عطیّه می‌داند (ازهری، ۳۳۹/۱۵). در سخن امام حسن (ع) نیز «عقل» بهترین بخشش خداوند به بنده مفهوم‌سازی شده است: «الْعَقْلُ أَفْضَلُ مَا وَهَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْعَبْدِ، إِذْ بِهِ نَجَاتُهُ فِي الدُّنْيَا مِنْ آفَاتِهَا وَسَلَامَتُهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ عَذَابِهَا» (ری شهری، ۵۴/۱). ابن‌منظور «موهبت» را به معنای عطا و بخشش می‌داند. (ابن‌منظور، ۸۰۱/۱)

۳-۹. عقل به مثابه چشمه

امام علی (ع) از طریق استعاره مفهومی «عقل به مثابه چشمه» به خلق معنا و درک بهتر مفهوم انتزاعی «عقل» کمک کرده است. در کلام علوی: «الْعَقْلُ يَنْبِوْعُ الْخَيْرِ» (ری شهری، ۱۶۶/۱) میان حوزه مبدأ (چشمه) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. چشمه یکی از عناصر طبیعت است. این استعاره ریشه در زندگی بخشی دارد. «ینبوع» به معنای چشمه آب است. (جوهری، ۱۲۸۷/۳) در نگاشت استعاری عقل، چشمه است یک فضای کلی برای مفهوم «عقل» نگاشت شده است. به سبب نقش بنیادین «عقل» و سرشاری و زایایی آن استعاره مفهومی موجب شده تا در ذهن مخاطب تداعی شود که «عقل» سرمنشأ همه کنش‌ها و منش‌هایی است که انسان برای زندگی سعادتمندانه خود به آن محتاج است و با الهام گرفتن از این منبع پویا و زایا بسیاری از رخوت‌ها و آفت‌های مسیر زندگی

خویش را می‌شناسد و آن را بر طرف می‌سازد. گفتنی است «عقل» مانند چشمه دارای پویایی، دوام، خلوص و استمرار است.

۳-۱. عقل به مثابه لباس نو

در روایات معصومین (ع) شاهد آن هستیم که «عقل» لباسی نویی معرفی شده که کهنه نمی‌شود (ری شهری، ۶۰/۱). «ثوب» به لباس گفته می‌شود (طریحی، ۲۰/۲). در نگاشت استعاره «عقل» لباس است یک جسم شدگی برای مفهوم «عقل» نگاشت شده است. در این استعاره میان حوزه مبدأ (لباس) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. به سبب نقش محافظت‌کنندگی «عقل» این استعاره مفهومی صورت گرفته تا در ذهن مخاطب تداعی شود که خرد همچون لباسی نو همواره روح و تن آدمی را نگهداری می‌کند. لباس همواره ملازم انسان است و پوشاننده انسان در مقابل سرما و گرما است و موجب می‌شود که انسان جلوه‌ای نیکو داشته باشد و عیوبش مخفی بماند. در لباس نو فرسودگی وجود ندارد.

معنای دیگر «ثوب» بازگشت است (راغب اصفهانی، ۱۷۹) لباس را به آن دلیل «ثوب» می‌گویند که مواد خام رشته شده به حالتی که مقصود اصلی از بافتن است (جامه) بازمی‌گردد. انسان با تاروپود «عقل» پارچه خود را می‌بافد. جامه مختص انسان است و حیوانات از آن استفاده نمی‌کنند. «عقل» لباسی نو معرفی شده که هرگز رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد و اهمیت آن برای آدمی کم یا تمام نمی‌شود. در سخن امام علی (ع): عقل، پوشاننده عیب‌هاست (ری شهری، ۷۸/۱) و «عقل، پرده‌ای پوشان است» (همو، ۲۱۴/۱) نیز مشابه این استعاره استفاده شده تا حوزه مفهومی «عقل» با کمک حوزه مفهومی مبدأ (پوشش) درک شود. در این استعاره مفهوم انتزاعی «عقل» به کمک مفهوم ملموس «پوشش» مفهوم‌سازی شده و «عقل» به عنوان یک شیء در نظر گرفته شده است. نگاشت میان این دو حوزه حفاظت‌کنندگی و رفع عیوب است.

۳-۱۱. عقل به مثابه ستون

در کلام نبوی «عقل» به عنوان ستون دین بازنمود یافته است: «إِنَّ مِنْ دِعَامَةِ الْبَيْتِ أَسَاسَهُ، وَدِعَامَةَ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَالْعَقْلُ الْقَامِعُ، فَقَالُوا: وَمَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْحِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى جَمِيعِ إِحْسَانِهِ وَإِنْعَامِهِ وَحُسْنُ بَلَايَةِ»^۱ (همو، ۶۰/۱). طریحی «دِعَامَةُ» را ستونی می‌داند خانه روی آن ساخته می‌شود (طریحی، ۶۲/۶) در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبدء (ستون) و حوزه‌ی مقصد (عقل) وجود دارد. در روایت مزبور «عقل» به مثابه ستون مفهوم‌سازی شده که استوار و مستحکم است. در این طرح‌واره با تصویر آنچه از کاربرد «ستون» در زندگی انسان مجسم می‌شود، به تکیه‌گاه بودن و قدرت «عقل» پرداخته شده است. نگاهی میان دو حوزه، استواری و استحکام است. همانطور که ستون محور ساختمان است و سطوح مختلف بنا را به هم ارتباط می‌دهد و ضامن استحکام ساختمان است و لرزیدن آن همه ساختمان را تهدید می‌کند، «عقل» نیز استحکام دین آدمی را تضمین می‌کند و هرگونه تزلزل در آن موجب ایجاد خطر در دین انسان می‌شود. همانطور که ستون پایین ساختمان را به بالای آن مرتبط می‌کند «عقل» نیز انسان را با خداوند مرتبط می‌سازد و دین انسان را استوار و مستحکم می‌کند.

در کلام علوی «عقل» نیرومندترین اساس دانسته شده است (همو، ۶۸/۱). «آساس» جمع «أس» و به معنای اصل ساختمان است (فراهیدی، ۳۳۴/۷). حوزه مبدء (اساس) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاهی حاصل از حوزه مبدا و مقصد قدرت است. انسان با قدرت «عقل» می‌تواند حقانیت دین و دعوت انبیاء را درک کند و باورهای بنیادین را تحکیم نماید.

۳-۱۲. عقل به مثابه درخت

درخت دارای سرسبزی و طراوت است و با توجه به فصول مختلف در آن تغییر ایجاد

۱. تکیه‌گاه خانه، پایه آن است و تکیه‌گاه دین، شناخت خداوند متعال، یقین به یگانگی او و خردی سرکوب‌کننده است. پرسیدند: ای رسول خدا سرکوب‌کننده چیست؟ فرمود: «بازداری از گناهان، شوق داشتن بر پیروی از خداوند و سپاسگزاری بر همه بخشش‌ها و نعمت‌ها و آزمایش‌های نیکو».

می‌شود و نشان پویایی و حرکت و سیر زندگی دارد. صعود درخت به سوی آسمان مظهر استواری و قائمیت است و نشانی از ارتباط میان زمین و آسمان دارد. امام علی (ع) برای انتقال مفهوم «عقل» از مفهوم ملموس‌تر درخت استفاده کرده است: «الْعَقْلُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّقَى، وَفَرْعُهَا الْحَيَاءُ، وَثَمَرَتُهَا الْوَرَعُ»^۱ (ری شهری، ۱۴۲/۱). در روایت مزبور میان دو حوزه مبدأ (درخت) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است و «عقل» به مثابه درختی مفهوم‌سازی شده که دارای ریشه، ساقه و میوه است. در این طرح‌واره با تصویر آنچه از کاربرد «درخت» ترسیم می‌شود، به کلیت «عقل» پرداخته شده که دارای اجزاء است. ریشه درخت تقوا است که اساس آن را تشکیل می‌دهد و اهمیت آن را می‌رساند و شاخه‌های آن حیا و میوه آن پرهیزکاری است.

۳-۱۳. عقل به مثابه مرکب

امام علی (ع) برای بیان مفهوم انتزاعی «عقل» از «وسیله حرکت» بهره گرفته است: «الْعَقْلُ مَرْكَبُ الْعِلْمِ» (همو، ۱۳۳/۱) در این استعاره مفهومی حوزه مبدأ (مرکب) و حوزه مقصد (عقل) است. نگاشت میان دو حوزه، حرکت و پویایی، سرعت و راهواری است. همانطور که مرکب وسیله حرکت است و برای رسیدن سریع‌تر به مقصد از آن استفاده می‌شود، «عقل» نیز با این انگاره تصویری، وسیله‌ای برای به حرکت در آوردن علم و رسیدن سریع‌تر به اهداف غایی انسان و نزدیک شدن به خداوند است.

۳-۱۴. عقل به مثابه درمان

طبيب برخوردار از دانشی است که براساس آن بیماران روحی و جسمی را مداوا می‌کند. امام علی (ع) مواجهه درخور عاقل با نادان را مانند رویارویی پزشک با بیمار مفهوم‌سازی می‌کند (همو، ۲۴۵/۱). در این روایت میان دو حوزه مبدأ (درمان) و حوزه

۱. خرد، درختی است که ریشه آن پارسایی، شاخه‌هایش آزم و میوه آن، ورع است.

مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است و انسان عاقل به مثابه طبیعی مفهوم‌سازی شده که دارای قدرت تشخیص، شفا بخشی، چاره اندیشی و محبوبیت است. از آنجا که نقش طبیب در درمانگری یکی از نقش‌های آشنا با ذهن مردم است این استعاره مفهومی از جمله استعاره‌هایی است که از فرهنگ و اندیشه‌ای دیرپا در جامعه ریشه می‌گیرد.

۳-۱۵. عقل به مثابه دوست

مفهوم «دوست» یکی از پرکاربردترین مفهوم‌های عینی است که برای ساخت سازی مفهوم انتزاعی «عقل» در روایات به‌کار رفته است. امام علی(ع) «عقل» را دوست آدمی معرفی می‌کند: «الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمَرْءِ» (همو، ۵۸/۱). فیروزآبادی «خلیل» را به معنای کسی می‌داند که دوستی خالص دارد (فیروزآبادی، ۵۰۷/۳) در این روایت برای درک مفهوم انتزاعی «عقل» از مفهوم «دوست» استفاده شده که مفهوم آن را انسان از پیش درک کرده است و ناخودآگاه میان اجزای مفهومی انتزاعی «عقل» و اجزای مفهومی دوست ارتباط برقرار نموده و به کمک این تناظر، مفهوم انتزاعی «عقل» را بهتر می‌فهمد. در طرح‌واره تصویری استعاره «عقل» ملازمت، همراهی و خیرخواهی بر حوزه مقصد «عقل» نگاشت شده است. معصوم(ع) «عقل» را برای انسان خردمند همچون دوستی می‌داند که هرگز او را ترک نمی‌کند و همیشه همراه اوست. «عقل» بسان دوست آدمی ارتباط تنگاتنگ و جدانشدنی با روح و روان انسان دارد. همان‌طور که انسان با دوست خود رابطه نزدیک دارد، عقل نیز با انسان همراه است. همان‌طور که دوست، پشتیبان، حمایت‌گر، همراه و خیرخواه دوست خود است «عقل» نیز خیرخواه، ملازم و پشتیبان آدمی است.

در سخن امام علی(ع): «الْعَقْلُ صَدِيقٌ مَحْمُودٌ» و «الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (ری‌شهری، ۶۰/۱) عبارات استعاری دیده می‌شود که تجلی زبانی استعاره مفهومی است که «عقل» دوست خوب آدمی و رفیق خالص مومن است. همان‌طور که دوست خوب و رفیق خالص جز خیر و صلاح چیزی برای دوست خود نمی‌خواهد «عقل» نیز صلاح انسان را تشخیص

می‌دهد و برای انسان چیزی جز خیر نمی‌خواهد. رسول خدا(ص) می‌فرماید خردمند، در تنهایی با عقل خویش راضی است و نادان از خویشتن وحشت دارد؛ چراکه دوست هر انسانی خرد اوست و دشمنش نادانی او (همو، ۱۷۸/۱). در کلام رضوی نیز دوست هر انسان خرد او و دشمنش نادانی او معرفی شده (همو، ۶۰/۱) که تجلی زبانی از استعاره‌ی مفهومی عقل به مثابه دوست است.

۳-۱۶. عقل به مثابه فرمانده و راهنما

در کلام امام سجاده(ع): «العقلُ قائدُ الخیر» (همو، ۶۰/۱) حوزه عقل در قالب حوزه «فرمانده» مفهوم‌سازی شده است. نگاشت استعاره‌ی عقل فرمانده است، مجموعه‌ای از تناظرها را میان هستی‌ها حوزه‌ی مبداء (فرمانده) و حوزه مقصد (عقل) در بر دارد. قائد به معنای دماغه کوه (فراهیدی، ۱۹۶/۵) است و به فرمانده لشکر گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۳/۳). در روایت مزبور «عقل» به مثابه فرمانده خوبی‌ها مفهوم‌سازی شده که دارای سلطه، اقتدار، حاکمیت است. فرمانده دارای قدرتی است که مولد حرکت و نظم سربازان تحت امر خود است و حضور فرمانده در میدان جنگ مانع از هم گسیختگی نظامیان تحت امر شده و تضمین‌کننده پیروزی در نبرد است. فرمانده لشکر از قدرت مادی و معنوی برخوردار است و با آن می‌تواند افراد تحت امر خود را در مقابله با دشمن تشجیع کند. نگاشت میان دو حوزه، هدایت‌کنندگی و اقتدار است همانطور که فرمانده لشکر رهبر افراد تحت نظر خود است و با سلطه و اقتدار آن‌ها را تحت حاکمیت خود قرار می‌دهد «عقل» نیز با قدرت هدایت‌کنندگی و رهبری حاکم بر نفس، آدمی را از انجام پلیدی‌ها بازداشته و در مسیر هدایت قرار می‌دهد.

در کلام علوی برای القاء مفهوم انتزاعی «عقل» از استعاره مفهومی ملموس‌تر «فرمانده» کمک گرفته شده و عقل فرمانده لشکر الهی معرفی شده است: «العقلُ صاحبُ جیشِ الرحمن»^۱ (ری‌شهری، ۲۱۲/۱). در این استعاره نیز میان دو حوزه مبداء (فرمانده) و حوزه

۱. العقلُ صاحبُ جیشِ الرحمن، والهوی قائدُ جیشِ الشَّیطان، والنَّفْسُ مُتَجَادِبَةٌ بَيْنَهُمَا، فَأَيُّهُمَا غَلَبَ كَانَتْ فِي حَيْزِهِ.

مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. «صَاحِبُ الْجِيشِ» به معنای قائد و رهبر لشکر است (مدنی، ۱۹۵/۲) در روایت مزبور «عقل» به مثابه فرمانده لشکری مفهوم‌سازی شده که در جنگ با جنود ابلیس است تا آدمی را اغوا کرده و به ضلالت بکشاند. نگاشت حاصل از این استعاره صلابت و قدرت فرماندهی و رهبری است.

در سخن امام علی (ع): «حُسْنُ الْعَقْلِ أَفْضَلُ رَأْدٌ»^۱ (ری شهری، ۶۰/۱) حوزه انتزاعی «عقل» در قالب حوزه «جلودار» مفهوم‌سازی شده است. رائد کسی است که در جست وجوی مرغ زار است تا عده‌ای آن‌جا اطراق نمایند. عبارت «الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ» به این معناست که فرد جست‌وجو کننده آب و خوراک برای خانواده خود به آن‌ها دروغ نمی‌گوید (فراهیدی، ۶۳/۸). نگاشت استعاری «عقل» جلودار انسان خردمند است، مجموعه‌ای از تناظرها را میان حوزه مبداء (جلودار) و حوزه مقصد (عقل) در بر دارد. همان‌گونه که جلودار، مسیر راه را می‌شناسد و به‌درستی دیگران را راهنمایی می‌کند. «عقل» نیز پرچم‌داری است که راهنما در مسیر زندگی انسان است و سبب پیشروی انسان در مسیر صحیح زندگی می‌شود.

در سخن امام علی (ع) «الْعَقْلُ خَيْرُ صَاحِبٍ» (ری شهری، ۶۰/۱) از استعاره مفهومی عقل، بهترین همراه استفاده شده است. استعاره‌ی عقل به مثابه بهترین همراه، حوزه‌ی انتزاعی و پیچیده‌ی مقصد (عقل) را با حوزه عینی‌تر مبداء (همراه) مرتبط می‌کند که دارای ساختاری ساده‌تر و امکان درک حسی بیشتر است. از طریق نگاشت استعاری، این حوزه‌ها ی مبداء فراخوانده می‌شوند، تا برای درک حوزه انتزاعی عقل ساختار فراهم کند. ابن فارس در باره معنای «صَاحِبٍ» می‌گوید: «الصاد و الحاء و الباء أصلٌ واحدٌ يدلُّ على مقارَنة شئٍ و مقارَنة» (ابن فارس، ۳۳۵/۳). در این استعاره میان حوزه مبداء (همراه) و حوزه مقصد (عقل) تناظر ایجاد شده است. نگاشت برجسته این حوزه، نزدیکی و همراهی است. همان‌طور که همراه به انسان نزدیک است و او را در مسیر زندگی یاری می‌کند، «عقل» نیز بهترین قرین

۱. نیک خردی، برترین راهبر است.

و همراه انسان است و با کمک آن می‌توان مسیر تعالی و رشد را با موفقیت پیمود. نگاشت استعاره‌ی «عقل» راهنمای مؤمن است، نیز همچون سایر نگاشت‌های مفهومی دارای مجموعه‌ای از تناظرهای میان هستی‌های دو حوزه است. در سخن امام‌صادق (ع) «العقل دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (ری شهری، ۶۰/۱) «عقل» به مثابه راهنمای مومن مفهوم‌سازی شده است. «دلیل» به معنای راهنما و برهان بر چیزی است (طریحی، ۳۷۲/۵) در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبداء (راهنما) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. طرح‌واره‌ی تصویری حاصل از این نگاشت، هدایت‌گری و بصیرت‌افزایی است. همان‌گونه که انسان راه بلد راه را به دیگران نشان می‌دهد و از پیچ‌وخم‌های راه آگاهی دارد، «عقل» نیز راهنمای انسان در مسیر پر نشیب و فراز زندگی است و با بصیرت‌افزایی راه درست را به انسان نشان می‌دهد.

«عقل» از دیدگاه امام کاظم (ع)، ناخدای کشتی تقوا است. وی به هشام بن حکم می‌فرماید: «يا هِشامُ، إِنَّ لِقَمانَ قالَ لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيا بَحْرٌ عَمِيقٌ، قَدْ غَرِقَ فِيها عالَمٌ كَثِيرٌ، فَلَتَكُنْ سَفِينَتُكَ فِيها تَقْوَى اللَّهِ، وَحَسْوُها الإِيمانَ، وَشِراعُها التَّوَكُّلُ، وَقَيمُها العَقْلُ، وَدَليلُها العِلْمُ، وَسُكَّانُها الصَّبْرُ»^۱ (ری شهری، ۷۰/۱). در این روایت «عقل» ناخدای کشتی مفهوم‌سازی شده که دارای نقش فرماندهی و هدایت‌گری است و در دریای ژرف دنیا راهبری خلق را بر عهده دارد. «قام علی الأمر» به معنای متولی و عهده‌دار امری بودن است. ابن اثیر در بیان معنای قَیم با تاکید بر معنای مستقیم و عدم اعوجاج و کجی از راه می‌گوید: «المستقیم الذی لا زیغ فیهِ و لا میل عن الحق» (ابن اثیر، ۱۳۵/۴) در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبداء (ناخدا) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. همان‌گونه که ناخدای کشتی در طول مسیر و در موقعیت‌های حساس سکان‌دار کشتی است و با تدبیر و مهارت خویش کشتی را از گرداب‌های مهلک می‌رهاند، «عقل» نیز در دوران زندگی و موقعیت‌های حساس و تنگناها فرماندهی و هدایت انسان را بر عهده دارد.

۱. ای هشام، لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم دنیا دریایی ژرف است که خلقی بسیار در آن غرق شدند، پس تلاش کن در این دریا کشتی ات تقوای خداوند، ساحل آن ایمان، بادبانش توکل، ناخدایش خرد، راهنمایش دانش و سکانش شکیبایی باشد.

در سخن امام علی (ع) عقل، فرستاده حق معرفی شده است: «الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ» (ری شهری، ۹۰/۱). در این روایت برای انتقال مفهوم «عقل» از استعاره مفهومی «عقل به مثابه رسول» کمک گرفته تا مفهوم انتزاعی و غیر محسوس «عقل» به واسطه مفاهیم ملموس تر «رسول» قابل درک شود. در این استعاره مجموعه‌ای از تناظرها میان حوزه مبدء (رسول) و حوزه مقصد (عقل) وجود دارد. همان‌گونه که پیامبران هدایتگر امت و حجت خداوند بر روی زمین هستند و بشر را از لغزش‌ها باز می‌دارند و به راه راست هدایت می‌کنند «عقل» نیز رسول باطنی و حجت درونی انسان است و آدمی را به سعادت دنیوی و اخروی هدایت کرده و از سقوط در وادی هلاکت رهایی می‌دهد.

۴- نتایج مقاله

بررسی حوزه تعلیمی حاصل از تحلیل نگاشت استعاره «عقل» در روایات نشان داد که کاربرست استعاره در گفتمان خردورزی کارکردی توضیحی و شناختی دارد و در تلاش است تا مفاهیم اساسی حوزه «عقل» را با حوزه‌های استعاره مبدء توضیح دهد و درک این حوزه انتزاعی را ملموس تر کند. کاربرد استعاره مفهومی «عقل» در روایات این امکان را به وجود آورد که موضوع انتزاعی یا فاقد ساختار «عقل» به وسیله موضوعاتی سازمان‌یافته و عینی از جمله ابزار کاربردی زندگی، مظاهر طبیعت، تجارت، زینت، پوشاک و انگاره‌های ارزشمند درک شود و مخاطب از طریق دریافت فضای ملموس مادیات، از حقایق روایات و فضای معنوی آن‌ها درک عمیق‌تری داشته باشد. کلام معصوم (ع) براساس نگاشت‌های خاص فرهنگ دینی و گفتمان مذهبی میان دو حوزه مبدء و مقصد، نگاشت‌هایی را به ذهن القا می‌کند که در حکم الگوهای استنتاجی بوده و از حوزه مبدء بر الگوهای استنتاج حوزه مقصد فراکنده می‌شود. استعاره مفهومی «عقل» در روایات فضایی را ایجاد کرده که مخاطب با کنکاش و بررسی قلمرو مبدء و مقصد و شباهتی که میان این دو حاکم است، به هدف و غایب کاربرد این استعاره نزدیک می‌شود.

بررسی استعاره «عقل» در روایات نشان داد در بیشتر مواقع حوزه مبدأ حوزه کاملاً مادی یا با مبدأ انتزاعی ولی شناخته شده تر از حوزه مقصد بوده و در حوزه هستی شناسی و شناخت شناسی کارکرد داشته است. استعاره مفهومی غالب در گفتمان معصوم (ع) راجع به «عقل»، نور و روشنایی و چراغ بود که به بازسازی یک مدل شناختی کامل می انجامد که از یک سو، ریشه در تجارب عینی بشر و وجوه کارکردی نور و روشنایی و گرما در ساخت هستی انسان دارد و از سویی دیگر با تعبیر معنوی و محتوایی این واژگان در اندیشه بشری در ارتباط است. این مدل های استعاری، در روایات معصومان (ع)، ساختارهای مرتبط با مفاهیم قرآن و بافت فرهنگی آن را تشکیل می دهد که به سازمان دهی ذهن و دریافت عمیق تر معانی متعالی روایات منجر می شود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، محقق و مصحح: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ق.
۳. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، بی‌تا.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، بی‌تا.
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، بی‌تا.
۷. جهان‌مبین، شکرالله، منزلت عقل در روایات، مجله عقل و دین، دوفصلنامه علمی پژوهشی، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، بی‌تا.
۹. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه به تصحیح صبحی صالح، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. عبدی مکنونی، اسماعیل؛ زیارتی، اشرف، استعاره مفهومی «آتش» در خمه نظامی گنجوی، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره دوم، ۱۳۹۵ش.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، بی‌تا.
۱۳. فلسفی‌جو، جهانبخش، بررسی و تحلیل رابطه عقل و عاطفه در نهج‌البلاغه و استلزامات تربیتی آن، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۹ش.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، بی‌تا.
۱۵. قاسمی حامد، مرتضی، عقل و هوی در قرآن‌کریم و نهج‌البلاغه (مفهوم‌شناسی، کارکرد و آثار)، پایان‌نامه رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۱۶. قائمی‌نیا، علیرضا، معناشناسی شناختی قرآن، چاپ دوم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۱۷. قربانی‌زرین، باقر، عنوان «واکاو معاشناختی عقل در زبان عربی و قرآن کریم با تکیه بر آراء شیخ طوسی در التبیان»، پژوهش دینی، شماره ۳۰، ۱۳۹۴ش.
۱۸. لیکاف، جورج، نظریه معاصر استعاره، در استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی، ترجمه گروه مترجمان، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران، سوره‌ی مهر، ۱۳۸۳ش.
۱۹. مدنی، علی‌خان بن احمد، الطراز الأول، مشهد مقدس، ۱۳۸۴ش.
۲۰. محمدی‌ری‌شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، چاپ پنجم، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۶ش.

۲۱. مصباح، زهرا، مفهوم عقل در قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، رساله دکتری گروه معارف اسلامی، مدرسی معارف اسلامی، ۱۳۹۴ش.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، بيروت، قاهره، لندن، دارالكتب العلمية، مركز نشر آثار علامه مصطفوی، بی تا.
۲۳. مطرزی، ناصر بن عبدالسید، المغرب، حلب، بی تا.
۲۴. موسوی بفرویی، سیدمحمد؛ عمویی، مریم، محورهای همنشینی معنای «عقل» در نهج البلاغه، کتاب قیم، شماره ۱۸، ۱۳۹۷ش.
۲۵. یاوریان، نرگس، بررسی حوزه معنایی عقل در نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه دانشگاه لرستان، ۱۳۹۳ش.
۲۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، ۱۴۰۸ق.
27. Lakoff, George & Johnson, Mark, Metaphors we live by. Chicago: the University of Chicago Press, 1980.